گفت‌وگو با عبدالعلی براتی، مترجم «پنجاتنتره»

کتابچه زندگی عاقلانه در فرهنگ هند

سایر محمدی
خبرنگار

«پنجاتنتره» اثر پاندیت ویشنو شرمه، کتابی است که قدمت‌اش به سال‌های ۲۰۰ پیش از میلاد می‌رسد. بانو «جی.لی.چاندیرا مانی» این کتاب را از زبان اصلی سانسکریت به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد و عبدالعلی براتی براساس ترجمه انگلیسی آن برگردانی ساده و شاعرانه به‌دست داده برای کسانی که از متون سخت خوان و دیریاب دوری می‌کنند. انتشارات صدای معاصر زمستان ۴۷ این کتاب را منتشر کرد و در مدت کوتاهی پس‌از انتشار به چاپ دوم رسید. عبدالعلی براتی متولد ۱۳۳۰ سپید دشت لرستان، دارای مدرک لیسانس زبان و فوق‌لیسانس بازرگانی کشتیرانی از لندن است و سال‌ها مدیر چارترینگ کشتیرانی بود و پس‌از بازنشستگی بیشتر وقت خود را صرف تحقیق و ترجمه می‌کند. وی سال ۵۶ کتاب «پژوهشی چند درباره هندوستان» را ترجمه و انتشارات گوتنبرگ منتشر کرد. مجموعه ۶ جلدی دو زبانه از سخنان بزرگان را نیز ترجمه و منتشر کرد آثاری چون دل به رؤیاها سپار، سخن عشق، آفتاب درسایه، بشنو از این خموش و...

این مترجم «سیری در ادیان جهانی» را توسط انتشارات ققنوس منتشر کرد و هم‌اکنون دوجلد از مجموعه سه‌جلدی «انقلاب فرانسه» نوشته ژرژ لومز را ترجمه و جلد سوم را در دست ترجمه دارد.

■ آقای براتی در کارنامه شما ترجمه آثاری چون «سیری در ادیان جهان»، «پنچاتنتره»، «پژوهشی چند درباره هندوستان» و کتاب سه‌جلدی «تاریخ فرانسه» دیده می‌شود. چگونه به سراغ آثاری نازل چون «دل به‌رؤیاها سپار»، «آفتاب در سایه» و... رفته‌اید؟

نازل از چه نظر؟ البته ترجمه این کتاب‌ها به سال‌های خیلی دور بر می‌گردد. ولی هیچ‌کدام‌شان نازل نیستند. این مجموعه دیدگاه‌ها و سخنانی از بزرگان اندیشه و هنر است افرادی مانند لنگستون هیوز و رومن رولان و... نمی‌دانم چطور این آثار را نازل ارزیابی می‌کنید؟

■ این آثار نه در حوزه ادبیات می‌گنجد و نه در حوزه فلسفه و... مجموعه‌ای از جملات روانشناسی و حکیمانه و شاعرانه است که از قول اغلب هنرمندان و نویسندگان چنین کتابچه‌هایی ساخته می‌شود.

به‌هرحال هر مترجمی در جریان کار فرآیندی را طی می‌کند. من حدود ۲۵ الی ۳۰ سال پیش این‌کتاب‌های دو زبانه را که دیدگاه‌ها وسخنانی از بزرگان را بازتاب می‌داد و زیبا هم بود، ترجمه کردم. من مدت پنج سال برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا در هندوستان مقیم بودم و مطالبی که در این مجموعه آمده به‌نظرم جالب بود.بدون اینکه در چارچوبی قرارش بدهم؛ مثلاً در حوزه ادبیات فاخر و اندیشه‌های فلسفی و ادبی ارزیابی کنم مطالبش را برای بخشی از جامعه مفید و جذاب تشخیص دادم و اقدام به ترجمه آنها کردم. حرف‌های جدیدی داشت بدون آنکه وابستگی ذهنی به متن این آثار داشته باشم آنها را ترجمه کردم. بعد هم دیگر ادامه ندادم، چون در شرایط خاصی این آثار را ترجمه کرده بودم.

■ * در مورد کتاب پنچا تنتره بفرمایید که قدمت این به سال‌های ۲۰۰ پیش‌از میلاد بر می‌گردد. این کتاب چگونه و در کجا کشف شد، نخستین بار؟

تاریخچه کامل از کتاب به قلم پاتریک اولیویه در بخش پایانی این کتاب آورده‌ام. مشهور است که یک عارف هندی به‌نام پاندیت ویشنو شرمه این اثر را نوشته و در صومعه‌ها و خانقاه‌ها و معابد هندو تدریس می‌کردند. اینکه چگونه به خاورمیانه و ایران می‌آید نقل است که پنچاتنتره (پنج فصل یا پنج کتاب) به فرمان خسرو انوشیروان ساسانی در فاصله سال‌های ۵۳۱ تا ۵۷۱ میلادی و به همت برزویه طبیب از هندوستان به ایران آورده شد. در نیمه قرن دوم هجری است که دانشمندی ایرانی به‌نام برزویه و مشهور به عبدالله بن مقفع با شایستگی از عهده این مهم برمی‌آید.

در واقع بحث و جدل امروز بین پژوهشگران که آیا مقصود این اثر دفاع از مشی غیر اخلاقی ماکیاولی در سیاست است یا اینکه فراخوانی است به اهل سیاست تا رفتاری مبتنی بر اخلاق را پیشه خود کنند خود حاکی از ابهام وعمق محتوا و معانی در این کتاب است.

پنچاتنتره را آموزه‌ای مبتنی بر اصول اخلاقی و چه مبنایی برای سیاست عملی در نظر بگیریم، کتاب را نمی‌توان یک مجموعه داستان صرف یا چنان که در ادبیات ثانویه با آن برخورد می‌شود، مجموعه‌ای از افسانه‌ها به‌شمار آورد.

■ شیوه روایت‌پردازی در این اثر چه تفاوت‌هایی با آثاری چون مثنوی مولانا، منطق‌الطیر عطار و دیگر آثار ادبیات کلاسیک فارسی دارد؟ از منظر ادبیات تطبیقی کدام یک ارزشمندتر است؟

به دلیل تقدم تألیف پنچا تنتره در زمانی که به ایران می‌آید به‌خاطر اینکه تلفظ این نام کمی مشکل بود به کلیلک و دمنک که نام دو شغال در کتاب بوده نامگذاری شده است که به‌تدریج به کلیله و دمنه تغییر پیدا کرد. از این جا به‌بعد این اثر به کلیله و دمنه شهرت یافت. این کتاب چون بر همه کتاب‌های موجود که با این رویکرد از زبان پرندگان و حیوانات قصه‌هایی روایت می‌کنند، حق تقدم دارد، تمام شاعران و نویسندگان و ادیبان در ایران و دیگر نقاط جهان حتی در اروپا از این کتاب الهام گرفتند. روایت از زبان پرندگان از فرهنگ و سنت ادبی هنر سرچشمه گرفته است. بنیانگذار این شیوه داستان‌پردازی ادبیات و عرفان هندوستان است.

هر یک از این آثار که نام بردید مثل منطق‌الطیر عطار یا مثنوی مولانا که در بخش‌هایی روایت از زبان حیوانات و پرندگان است، حلاوت و شیرینی خاص خودشان را دارند و طبعاً هر یک از این آثار و داستان‌ها در خاستگاه‌های خودشان به‌لحاظ زیبایی شناختی جذاب‌تر است. چون هر اثری که به زبان دیگر ترجمه می‌شود بخشی از حلاوت و شیرینی خود را از دست می‌دهد و از منظر تطبیقی نمی‌توان آنها را با هم مقایسه کرد و حکم به برتری یکی بر دیگری داد. طبیعی است که من شاهنامه فردوسی، منطق‌الطیر عطار و مثنوی مولانا را برتر از دیگر آثار کلاسیک جهان بدانم. آثاری که به اساطیر ایرانی و فرهنگ فارسی وفادار است و خاستگاهش در این سرزمین است. از آنجا که سال‌ها در هندوستان بودم و تا حدودی با فرهنگ این‌کشور زندگی کرده‌ام تا اندازه‌ای فلسفه و حکمت در پنچا تنتره قابل مقایسه است با آن چه سعدی در گلستان آورده بود. در واقع گلستان همسنگ با پنچاتنتره است. چون درس زندگی مبتنی بر پراگماتیسم می‌دهد. چیزی که فلسفه عملی دارد. اینکه چطور در فراز و نشیب زندگی رفتاری منطقی و عاقلانه داشته باشی که در مواجهه با خطرات زندگی در مهلکه‌ای گرفتار نشوی. پنچا تنتره مثل گلستان سعدی درس عاقلانه زیستن می‌دهد.

■ * پروفسور پاتریک اولیویه چه مباحثی را بر این کتاب افزوده که ارزش این اثر را فراتر برده است؟ یا چاندیرامانی که اشاره کردید به چه نکاتی در مورد این اثر می‌پردازد که مورد توجه قرار گرفته است؟

چاندیرامانی مترجم کتاب از سانسکریت به انگلیسی می‌گوید: زبان مؤلف زبانی هنری است و فاخر. قصه به نثر است در حالی که درونمایه فلسفی و اخلاقی به نثر اندرزگونه یا در قالب سخنان حکیمانه بیان شده و شنونده یا خواننده را به شنیدن قصه بعدی ترغیب و تشویق می‌کند. هنر قصه‌گویی به‌گونه‌ای است که محتوای جدی فلسفه مورد نظر قصه‌گو را شیرین و جذاب می‌کند. قصه‌ای را به قصه دیگر می‌بافد و ما را مشتاق شنیدن ادامه قصه نگه می‌دارد و گام‌به‌گام از دهلیزهای

تنتره پنجگانه عبور می‌دهد. قصه ها دارای درونمایه اخلاقی و فلسفی است که در کوران زمان و تاریخ درستی وصحت آن محک خورده وحتی در دوران ما یعنی در عصر وحشت از جنگ اتمی و دیوانگی بشر هنوز طراوت و تازگی دارد.

■ شما اشاره می‌کنید که ترجمه‌های موجود در مقایسه با متن اصلی و ترجمه انگلیسی اضافات زیاد دارد. بفرمایید این اضافات در کجاست؟ و چه مواردی به متن ترجمه فارسی درگذشته افزوده شد؟

البته کتاب دیگری را هم به‌نام پنچا تنتره «خالق دادعباسی» ترجمه کرده است که اسم کتاب را خودش گذاشته پنچا تنتره. این مترجم برداشت‌های خودش را هم در زیرنویس آورده است.

پروفسور پاتریک اولیویه در پی‌نوشت کتاب، پس از یک مقدمه کوتاه سرچشمه‌های این اثر، نام مؤلف و قدمت این اثر را مشخص کرده است و خاستگاه اثر را می‌نویسد که از کجا بوده است و سرمنشأ آن کجا بوده و به ساختار و محتوای آن می‌پردازد. اولیویه می‌نویسد یکی از ویژگی‌های حیرت‌انگیز ساختار روایی پنچاتنتره این است که داستان‌های مستقل در بطن داستان‌های دیگر آمده‌اند. ساختار روایی که به‌مانند جعبه‌ای در دل جعبه دیگر هستند. بلندترین داستان جعبه‌ای است که چارچوب تمام کتاب را تشکیل می‌دهد. حالت جعبه در جعبه در سطوح مختلف شکل می‌گیرد تا جایی که داستان الف می‌تواند در دل جعبه داستان ب قرار بگیرد و داستان ب نیز به سهم خود داستان پ و داستان پ داستان ج را در خود جای دهند.

پنچاتنتره پنج کتاب است در یک مجلد و دستمایه نویسنده از کتابی به کتاب دیگر متفاوت است. از دیدگاه طرح داستان و آفرینش دراماتیک و تعلیق، کتاب اول به مراتب برتر از سایر کتاب‌هاست. از نظر ساختار و نیز حجم داستان، مؤلف آشکارا اهتمام بسزایی را در انسجام کتاب به‌کار گرفته است. این فصل علاوه بر این به موضوعی می‌پردازد که از دیدگاه نویسنده مهم‌ترین عامل در سیاست است. یعنی استفاده از خدعه و نیرنگ با هدف افشاندن بذر اختلاف و دشمنی بین مخالفان، درونمایه‌ای که خط اصلی در تنتره نخست را تشکیل می‌دهد.

■ * اینکه متذکر شدید پنچا تنتره کتابی است دیریاب و نادر، چون هر قصه دارای درونمایه‌ای اخلاقی و فلسفی است و در هیچ کتابی نمی‌توان فلسفه، روانشناسی، سیاست، موسیقی و اخترشناسی و مناسبات انسانی را یک جا در کنار هم دید. شما چگونه با ساده‌سازی ترجمه توانستید از پس این مشکل برآیید؟

من ساده‌سازی نکردم. من فقط ترجمه کردم. من ترجمه ساده‌تر و سهل‌تری در مقایسه با ترجمه‌های موجود در زبان فارسی ارائه دادم. ترجمه من عیناً از متن انگلیسی است. متن انگلیسی هم ساده است. متن اصلی و سانسکریت هم ساده بود. منتها زبانی سهل و ممتنع دارد. در عین سادگی مطالب بسیار عمیق را مطرح کرده است. مثلاً تنتره سوم که مربوط به کلاغ‌ها و جغدهاست. آخرش که این دو با هم نبرد می‌کنند و کلاغ‌ها با توسل به ترفند- چیزی که در دنیای معاصر خیلی رایج است- می‌خواهند جغدها را از سر راه بردارند با یک سری ظاهرسازی جلو می‌آیند. در تنتره سوم وقتی که کلاغ‌ها پیروز شدند. شاه کلاغ‌ها به وزیرش که این ترفند را ابداع کرد، می‌گوید چه کنیم که بتوانیم درست حکومت کنیم و مشکلی هم ایجاد نشود؟ وزیر نصیحت می‌کند که پادشاه نباید فریب شکوه و جلال سلطانی را بخورد گرچه رسیدن به این شکوه و جلال به دشواری بالا رفتن از درخت خیزران است ولی این عظمت و بی‌همتایی به‌لحظه‌ای بند است. بی‌ثبات است، متلون است چون باد. اعتمادناپذیر است چون دوستی آدم شرور، گذرا و ناپایدار است چون رنگ‌های آسمان به‌هنگام غروب خورشید و سخت سست است چون حباب‌های آب.

این نثر در مقایسه با نثری که فاخر است ودر ترجمه‌های سابق آمده مقداری تفاوت دارد. و برای خواننده فارسی زبان امروز ما بسیار مناسب است.

عاشقانه‌های یک زن شرقی در غرب وحشی

نگاهی به رمان تازه منتشرشده «تیراندازی در باک هِد»

زهره مسکنی
نویسنده و منتقد

«تیراندازی در باک هِد» رمانی ساده و صریح است که توسط ناهید کبیری نوشته شده و نشر ورا آن را منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب عاشقانه‌های یک زن در خلال زندگی پر فراز و نشیب را توصیف می‌کند. زنی که نخستین تجربه زندگی مشترکش را به رغم شیرینی آن از دست می‌دهد و در طول رمان، حکایت جایگزینی یک زندگی دیگر را از طریق زاویه دید اول شخص و تک‌گویی درونی برای مخاطب به تصویر می‌کشد.

رمان، یک فصل در میان به روایت گذشته و حال پرداخته و از این طریق خواننده را در جریان تجارب مختلف راوی می‌گذارد. به همین دلیل عنصر زمان در این داستان بسیار حائز اهمیت است و جملات آغازین کتاب نیز می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد: «سال‌های زیادی نگذشته بود. هفت سال هم نشده بود شاید. هنوز خیلی چیزها برایم تازگی داشت...» این‌گونه است که راوی، با برجسته‌سازی عنصر زمان، مخاطب را به جهان عاشقانه زندگی خود وارد کرده و بلافاصله به روایت وقوع طوفان در آن زندگی می‌پردازد. طوفانی از جنس تندبادهای ویژه منطقه‌ای بیگانه با زادگاه راوی که خود نمادی از تخریب و بربادرفتن بنیان یک زندگی بی‌نقص اما غریبانه است. «تورنادو» طوفانی امریکایی است و کارکرد آن در این رمان نیز نشان از به‌هم‌ریختگی امریکایی در زندگی یک زن ایرانی است. استفاده از گردباد به‌عنوان یک بلای مخوف و خانمان‌برانداز از دیرباز در افسانه‌های کهن نیز وجود داشته و اینک نویسنده با توصیف نوعی گردباد در دیار غرب، فروپاشی زندگی اولیه خود را ناشی از آن می‌داند.

عنصر مکان نیز در رمان «تیراندازی در باک هِد» کاملاً با درون‌مایه و فضای حاکم بر داستان مطابقت می‌کند و نویسنده با پرداخت مناسب در این زمینه بخوبی توانسته خواننده را در بخش‌های مختلف دنیا از تهران و کرمانشاه و مشهد و... گرفته تا مناطق مختلفی در غرب دنیا با خود همراه کند. حتی از عنوان رمان هم چنین برمی‌آید که با قصه‌ای مکان‌محور روبه‌رو هستیم. «باک هِد» نام یکی از خیابان‌های تجاری آتلانتا در ایالت جورجیاست که محل خرید و فروش بورس امریکا به شمار می‌رود. همان جایی که در مهد مشهور سرمایه‌داری، عده‌ای به ریسک خرید سهام از کمپانی‌ها می‌پردازند تا پولدارتر شوند و تیراندازی ناگهانی یک امریکایی به سوی مردم در همین محل است که موجب پایان یافتن روزهای خوش راوی می‌شود.

«مرگ» یکی از شاخص‌های مهم این رمان است که تقریباً در همه فصول آن حس می‌شود. «هنار» زن کردتبار قصه، به واسطه مرگ ناگهانی همسر جوانش به‌یک‌باره امنیت و عشق و نشاط را از دست می‌دهد. همسری که پیش از این او و فرزندش را از خطر گردباد امریکایی رهانده و سقف فروریخته زندگی‌اش را مجدداً با تلاش و پشتکار ناشی از عشق ترمیم کرده، حالا در اثر تیراندازی

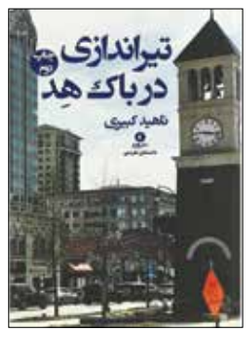

جنون‌آمیز شخص دیگری آنان را به تلخی تنها می‌گذارد. بعد از این، ترس و تنهایی است که وارد زندگی زن می‌شود و او تنها با مرور خاطره است که روزگار می‌گذراند. این مرگ نابهنگام، به‌عنوان مهم‌ترین رویداد زندگی هنار، از ابتدا تا انتهای داستان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و درست همان جایی که قرار است به واسطه آزادی داشتن اسلحه در غرب، کانون زندگی یک زن مهاجر نابود شود، این خانواده است که به‌عنوان مهم‌ترین نهاد زندگی شرقی به داد فرزند دور از خویش مانده می‌رسد و بابی تازه را در زندگی وی می‌گشاید. حالا «سهراب» ازدست‌رفته که به واسطه دوری از مادرش در اوان کودکی به نوعی نقش سهراب شاهنامه را نیز در این رمان به خود اختصاص داده، ازدست می‌رود و نه پدر که مادرش را در حسرت یک ارتباط سالم مادر و فرزندی باقی می‌گذارد تا مرد دیگری وارد زندگی همسرش شود و با استفاده از نام به جای خود، «جهانِ» داستان را تغییر دهد.

«جهان» وجه اشتراکات بسیاری با «سهراب» دارد و آمده تا با حالت چهره و برخی رفتار و گفتار و رایحه‌ها و نواهای آشنا یادی را زنده نگه دارد و آغازی برای زندگی دوباره باشد: «...همان لبخندی که من دیوانه‌اش هستم و مرا به خانه مردی کشانده است که لبخندش شبیه توست...» اما به‌رغم تمام این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی هم هست که در نیمه دوم زندگی دردسرهایی را برای زوج جدید رقم می‌زند. گفته می‌شود تفاوت بین زنان و مردان یکی از شگفتی‌های آفرینش و موجب اختلافات ذهنی و رفتاری آنان با یکدیگر است. زنان، رابطه‌گرا هستند و استعداد بیشتری برای بینش و شهود از خود نشان می‌دهند در حالی که مردان، هدف‌گرا هستند و به عمل بیش از مشاهده تمایل نشان می‌دهند و همین موضوع، دلیل دلخوری هنار از جهان در بخش دوم رمان است. زنان در مقایسه با مردان، تحت تأثیر اندیشه‌های اندوه‌بار، واکنش‌های هیجانی‌تری را از خود بروز می‌دهند، در حالی که مردان افکار و احساسات خود را کمتر بروز می‌دهند و این دلیل سوءتفاهمی است که در پایان داستان وسیله گره‌گشایی نویسنده قرار گرفته است: «... همه چیز دارد از درون مرا زیر و رو می‌کند. دارد مرا به طور وحشتناکی به سوی این مرد همین که آنجا رو به روی من نشسته است می‌کشاند و عاشقانه نزدیک می‌کند...» گذشته از تمام جزئیات این روایت عاشقانه، درون‌مایه این داستان که شامل موضوعات متعدد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی است بیشتر حول مسأله آزادی حمل و نگهداری اسلحه در امریکاست که موجب قربانی‌شدن عده‌ای بی‌گناه و متعاقب آن واردآمدن صدمات و لطمات بسیار بر بازماندگان حوادث می‌شود. سالانه هزاران نفر در اثر شلیک گلوله در امریکا جان خود را از دست می‌دهند و بیماران روانی، سرخوردگان اجتماعی و جنایتکاران به سلاح‌هایی دسترسی دارند که بعضاً ارزان‌تر از یک جلد کتاب است. به نظر می‌رسد ناهید کبیری که بخشی از زندگی خود را در امریکا سپری کرده، بخوبی از عهده طرح این موضوع در قالب یک رمان جذاب و خواندنی برآمده است. بر همین اساس، شخصیت‌های داستان نیز که ما ممکن است گاهی با مشابه آنها در عالم واقع روبه‌رو بوده یا گاهی هیچ شناختی از آنان نداشته باشیم، پذیرفتنی و قابل قبول به نظر می‌آیند که این شخصیت‌پردازی مناسب قطعاً نتیجه مشاهده و تجربه نویسنده از فضای مورد توصیف است و حتی هر یک از شخصیت‌های فرعی نیز به گونه‌ای جلوه می‌کنند که به طور مطلق خوب یا بد تلقی نشوند و در متن حوادث مورد توجه قرار گیرند.

ناهید کبیری داستانش را با طوفانی مهیب آغاز می‌کند و خواننده را پس از تلاطم بسیار، سرانجام در ساحلی امن و معقول به آرامش می‌رساند و اینجاست که آدم به یاد خط پایان تمام قصه‌های کودکی می‌افتد که: «... و آن دو بخوبی و خوشی تا پایان عمر با هم زندگی کردند.»

تازه‌های نشر

آیناز محمدی
خبرنگار

■ ذهن و زمان

«ذهن و زمان» عنوان کتابی است به قلم دکتر کرامت موللی که از سوی نشر نی منتشر شد.

کتاب مذکور در دو بخش تألیف و تدوین شده است. بخش نخست به نام رابطه جسم و جان طی چهار فصل به موضوعاتی چون موجود زنده چیست؟ موضوع علم استعلامی، رابطه جسم و جان و پرسش از زمان می‌پردازد. بخش دوم به‌نام خواب و رؤیا در چهار فصل به مسائلی مانند فرآیند رؤیا، رؤیا و فیزیولوژی خواب، رؤیا حریم خصوصی برای نفس آدم، تصاویر در رؤیا رانش و روند معکوس آن در خواب می‌پردازد.

نویسنده در این کتاب با اتکا بر آخرین کشفیات علمی و دیرین‌ترین پرسش‌های فلسفی برآن است تا ما را عجالتاً از دنیای شتابزده دیجیتال که محور اصلی جوامع مصرفی امروز است، جدا کرده و به‌خود آورد.

نویسنده طی یادداشتی آورده است: کتاب حاضر حاصل بیش از سی سال کار بالینی و تحقیقی است ولی اعتراف می‌کنم که انگیزه اصلی آن به دوران نوجوانی‌ام بر می‌گردد یعنی به مطالعه کتاب «تعبیر رؤیا» فروید.

■ عشق خرکی

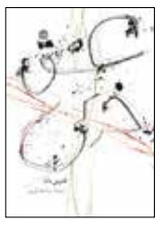

«عشق خرکی» رمانی به قلم کترین دان نویسنده، شاعر و منتقد امریکایی است که با برگردان نیما جمالی‌پور از سوی نشر مشکی منتشر شد.

نشریه تایمز در معرفی این رمان می‌نویسد: یکی از شگفت‌انگیزترین رمان‌های امریکایی دهه هشتاد است. یک فانتزی گروتسک وزنده، شبیه طبل حلبی گونترگراس، مانند هر اثر هنری بزرگ.

کترین دان که در سال ۲۰۱۶ چشم‌از جهان فرو بست، معروف‌ترین رمان خود، عشق خرکی، را در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد که در فهرست نامزدهای نهایی جایزه ملی کتاب امریکا و جایزه برام استوکر قرار گرفت. رمانی که بیش از یک دهه وقت صرف نوشتن آن شد و سرانجام کارگردان معروف سینما تیم برتون امتیاز ساخت یک فیلم سینمایی را براساس این رمان خریداری کرد.

این رمان با یک دوجین شخصیت عجیب و غریب احساس همدردی و انزجار را همزمان در مخاطب برمی‌انگیزد و دنیایی خلق می‌کند که سراسر تخیلی و سرشار از طنز است و هرچه قصه پیش می‌رود، جذاب‌تر می‌شود.

■ نام دیگر دوزخ

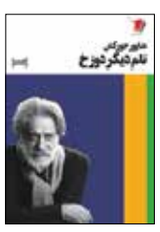

«نام دیگر دوزخ» دفتری از سروده‌های شاپور جورکش، شاعر و منتقد شیرازی است که از سوی نشر سیب سرخ منتشر شد.

شاپور جورکش دو کتاب شعر هوش سبز و نام دیگر دوزخ را در طول چند دهه قلم زدن در حوزه شعر و شاعری و نقد ادبی منتشر کرد و یکی از مهم‌ترین کتاب‌های وی به‌نام «خفیه نگاری خشونت در سرزمین آدم کتی‌ها» که در سال ۸۹ منتشر شد چهار روز پس از توزیع، جمع‌آوری و خمیر شد و دلیل آن هیچ وقت اعلام نشد.

جورکش در شعر به اندیشه و اجتماع توجه ویژه‌ای دارد و سعی می‌کند در مسیر راه‌های نکوهیده و ناهموار راهی تازه بجوید. شعرش شعر پیشنهاد دهنده است و شاعر از دنباله روی و نسخه‌برداری از آثار دیگران شدیداً می‌پرهیزد.

استفاده از اساطیر ایران و جهان، احیای واژگان فخیم فراموش شده لابه‌لای لغت‌نامه‌ها و تصویرسازی‌های بدیع از ویژگی‌های شعر جورکش است.

■ در امریکا

«در امریکا» نام رمانی از سوزان سانتاگ با ترجمه مریم حیدری است که از سوی نشر پرسش منتشر شد.

سوزان سانتاگ نویسنده، نظریه پرداز ادبی و فعال سیاسی یکی از مهم‌ترین آثارش «علیه تغییر» است که به چند ترجمه در ایران منتشر شد.

«در امریکا» از معدود رمان‌های این نویسنده است که براساس مهاجرت هلنا مودریفسکا، مشهورترین بازیگر تئاتر در لهستان، به‌همراه همسرش، کنت کارول کلاپوفسکی، پسر پانزده‌ساله‌اش رودلف، هنریک شینگویچ روزنامه‌نگار و نویسنده کتاب کووادس و چند نفر از دوستانش به امریکا در سال ۱۸۷۶ و حضور موفق مدریفسکا روی صحنه‌های تئاتر امریکا با اسم هنری هلنا موجسکا و... نوشته شده است و پس از انتشار در محافل فرهنگی و هنری با اقبال فراوانی روبه‌رو شد و موضوع مهاجرت‌های اجباری را بار دیگر به مرکز ثقل توجه جهانیان تبدیل کرد.

■ اسطوره کاوی عشق در فرهنگ ایرانی

دوازدهمین کتاب از مجموعه «نظریه‌ها و نقدهای ادبی- هنری» انتشارات سخن به کتاب «اسطوره کاوی عشق در فرهنگ ایرانی» نوشته دکتر بهمن نامور مطلق اختصاص داده شد.

امروز عشق چون دوران گذشته واژه‌ای مقدس نیست، شاید این یکی از پیامدهای جهانی شدن باشد. ادب فارسی که یکی از غنی‌ترین ادبیات جهان در زمینه عشق و عاطفه شناخته می‌شود و اگر منظومه‌های عاشقانه و داستان‌های فارسی به طور جدی مورد مطالعه و توجه قرار گیرد می‌تواند تجربه جامعه ایرانی را به نسل امروز منتقل کند. این کتاب به اسطوره‌های عشق در فرهنگ ایرانی هم دوران کهن و میانی، هم معاصر و بسیار معاصر (امروزه) می‌پردازد.

آمیتیس، پانته‌آ، روشنک، گردیه، بهرام، خسرو، رابعه و بکتاش، شیخ صنعان و دختر ترسا، مولانا و شمس، شهریار، فروغ، شاملو و ایدا و... هر یک در فصل‌های این مجموعه به‌طور مستقل و مجزا تحلیل و بررسی می‌شود.

سپس در مطالعه بینامتنی اسطوره‌ای معنای نهفته و رد پاهای مشترک آنها در کهن الگوها مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف نویسنده پرداختن به مصائب ومسائل روز به کمک اسطوره‌های بومی بود تا نسل امروز و فردا از تجربیات روایی ادبیات فارسی درس بگیرد.